

**چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت
شبکه‌های آبیاری و زهکشی (اصول و روش‌های کاربردی)
۸ دی ماه ۱۳۸۴**

**اقدامات اجرایی جاری در استان گیلان در رابطه با انتقال مدیریت آبیاری
(مطالعات موردی)**

سیدمحمد آزرمسا^۱، لیدا رشتچی^۲

چکیده:

مدیریت مصرف آب زراعی اگرچه تنها در ۲۰٪ از اراضی قابل کشت جهان مطرح است اما، ۵۰٪ از غذای مورد نیاز جمعیت فعلی جهان از همین اراضی به دست می‌آید. گذشته آبیاری در گیلان نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی، ساخت و تجهیز سیستم‌های مدرن آبیاری به سال‌های دهه چهل شمسی باز می‌گردد. پیش از احداث این سیستم، مقرراتی که در مورد بهره‌برداری و نگهداری از این سیستم‌ها وضع شده بود کاملاً خودجوش و بر محور مدیریت‌های محلی بود. گیلان به سبب شرایط خاص کشت محصول استراتژیک خود، ناگزیر به انتخاب راهی برای غلبه بر مشکلات و موانع آبیاری سنتی است. واگذاری مدیریت آبیاری یا ایجاد تشکل‌های آبران، قدمی برای کاهش این مشکلات و استفاده از نیروی همیاری مصرف‌کنندگان در قالب «گروه‌های محلی» در جهت بهبود مدیریت آبیاری در منطقه بود. این موضوع، ابتدا در کمیته بهینه سازی مصرف آب در فروردین ۱۳۸۳ مطرح گردید. در تحقیقات اولیه، روستاهای تحت پوشش ۳۱ شرکت تعاونی روستایی با سطح زیر کشت و تعداد آبران هر روستا مشخص گردید و قرارداد تحویل حجمی آب، منعقد شد. در این انتقال، مهمترین مسئله، استفاده از تجربیات ارگان دولتی است که سال‌ها عهده‌دار این مسئولیت بوده است. انتخاب مدیران این تشکل‌ها از میان اشخاص دارای تحصیلات دانشگاهی و یا دارای زمینه و تجربه در کار آبیاری، انتقال تجربه را به مراتب سهل تر می‌کند. به این ترتیب در عرض چند دوره حمایت سازمان دولتی از تشکل و انتقال تدریجی مدیریت، نهادهایی در رأس کار انتقال و توزیع آب

۱- کارشناس ارشد آبیاری و زهکشی؛ مشاور و مدیر عامل و مجری طرح در شرکت آب منطقه‌ای گیلان

۲- کارشناس آبیاری شرکت بهره‌برداری شبکه‌های آبیاری و زهکشی گیلان

قرار خواهند گرفت که ماهیت آنان مردمی است و در رأس آنان، نیروهایی از روستائیان و دولت‌مردان متجرب و جوانان تحصیلکرده بومی و غیر بومی روستا قرار دارند.

۱- مقدمه:

جهان با سرعتی غیر قابل پیش‌بینی به سوی افزایش جمعیت پیش می‌رود. نخستین نماد منفی این افزایش، نیاز روز افزون به مواد غذایی است. بنابراین بزرگترین معضل نسل‌های آتی، حفظ و کنترل کیفیت منابعی است که در تولید و تأمین این مواد، نقش تعیین‌کننده دارند. مدیریت مصرف آب زراعی، اگرچه تنها در ۲۰٪ از اراضی قابل کشت جهان مطرح است (۲۰٪ از اراضی تحت کشاورزی در جهان، تحت کشت آبی هستند) اما، ۵۰٪ از غذای مورد نیاز جمعیت فعلی جهان از همین اراضی به دست می‌آید. کشورهای در حال توسعه، یک چهارم اراضی آبی دنیا را در اختیار دارند. در ایران، حدود ۶۰٪ از اراضی تحت کشت آبی است که ۹۰٪ از تولیدات غذایی کشور را تأمین می‌کند (۱). با توجه به توزیع مکانی نامناسب بارش در کشور و عدم تطابق زمانی بارندگی با فصل آبیاری، بحران آب را باید جدی انگاشت. آنچه مسلم است، ایران برای بقای کشاورزی داخلی و تأمین مایحتاج خود در آینده‌ای نه چندان دور، گرفتار کمبود منابع آبی تجدید شونده خواهد بود (سهم ایران از این منابع در حال حاضر حدود ۰/۳٪ است و جمعیت ایران، ۱٪ از جمعیت دنیا است!) و برای مقابله با آن باید به نزدیکترین، با صرفه‌ترین و قابل‌اجرترین روش‌ها دست یافت (۲).

درگام مطالعه و بررسی‌های اولیه، طیف نسبتاً وسیعی از این راهکارها به ذهن می‌رسد؛ همانند:

- ✓ مهار آب‌های سطحی و ریزش‌های جوی
- ✓ ایجاد الگوی بهینه اقتصادی - کشاورزی.
- ✓ تغییر سیستم‌های آبیاری رایج از سنتی به مدرن.
- ✓ بهبود و اصلاح روش‌های آبیاری سنتی و شبکه‌های مربوط به آن.
- ✓ مدیریت آبیاری در مزارع و تشکیل تعاونی‌های مصرف، توزیع و تولید.

اما؛ بسیاری از این تصمیمات در گام اجرا و عمل، خارج از استطاعت کشور است زیرا اجرای تعداد زیادی از این طرح‌ها زمان بسیار و امکانات و بودجه فراوان می‌طلبد و وجه ریسک آن نیز مطرح است (مشخص نیست که صد در صد جوابگوست یا خیر)، حال آنکه در مقطع سال ۱۴۰۰، جمعیت ایران بر اساس برآورد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بالغ بر یکصد میلیون نفر خواهد بود و نیاز آبی برای فراهم سازی غذای این جمعیت، بالغ بر ۱۵۰ میلیارد متر مکعب! (۲)

از میان روش‌های عنوان شده، امتیاز برتر مخصوص طرحی است که علاوه بر جبران نمودن بحران «زمان - جمعیت» و محدودیت‌های مالی کشور با شرایط محلی و اقلیمی هر منطقه نیز هماهنگ باشد. این مطلب، گذری است بر تغییر روش «مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری» از شکل دولتی به

مشارکتی و بررسی موارد انتقال مدیریت به تشکل‌های مصرف‌کننده آب زراعی در استان گیلان و برشماری نقاط قوت و ضعف آن.

۲. مروری بر تاریخچه مدیریت آبیاری و شرایط اقلیمی و محلی در استان گیلان

گذشته آبیاری در گیلان نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی، ساخت و تجهیز سیستم‌های مدرن آبیاری به سال‌های دهه چهل شمسی باز می‌گردد. پیش از احداث این سیستم، مقرراتی که در مورد بهره‌برداری و نگهداری از این سیستم‌ها وضع شده بود کاملاً خودجوش و بر محور مدیریت‌های محلی بود. زیرا این سیستم‌ها ماهیتاً توسط آبیاری‌ها ساخته و اداره می‌شدند. در گیلان زمین، توزیع آب آبیاری به ویژه در اراضی آبخور رودخانه سفیدرود بر مبنای واحد زمینی (مساحت) انجام می‌گرفت.

مزارع و باغات گیلان با استفاده از آبیاری و آب‌بندان‌ها یا رودخانه‌ها آبیاری می‌شدند و آبرسانی به این نوع اراضی زیر نظر گروهی انجام می‌گرفت که از طرف هیئتی به نام هیئت مالکان انتخاب می‌شد. هیئت مالکان، یکی از ابتدایی‌ترین نوع مدیریت محلی آبیاری متداول در گیلان در سال‌های پیش از ۱۳۴۰ بوده است. توزیع حقایق‌های مزارع - رسیدگی به تنش‌های اجتماعی بر سر تقسیم آب و جلوگیری از زد و خورد بین کشاورزان برسر استفاده از یک منبع آبی، همه و همه بر عهده دولت محلی حاکم بر اوضاع بود و از همین جا می‌توان به قدرت حاکمیت این دولت در مدیریت توزیع پی برد. این روش بهره‌برداری از منابع آب‌های جاری تا حدود سال ۱۳۰۵ هجری بر گیلان حاکم بود. در اوایل این سال، با تشکیل «اداره امور آبیاری» بخشی از وظایف بهره‌برداری از آب رودخانه‌ها از مدیریت محلی به این اداره محول شد و آبیاری این استان برای نخستین بار با ارکان مدیریت دولتی آشنا گردید. سرانجام در سال ۱۳۲۲ قانون تأسیس بنگاه‌های مستقل آبیاری به تصویب رسید.

در سال ۱۳۴۱ همزمان با بهره‌برداری از سد سفیدرود و با تأسیس وزارت آب و برق - که ادغام وظایف بنگاه مستقل آبیاری در وزارت آب و برق را به دنبال داشت - بسط اقدامات و مداخلات دولت در تمامی شئون مربوط به آب و آبیاری در کشور و استان گیلان به اوج رسید. نظارت بر شبکه‌های سنتی، تلفیقی و مدرن آبیاری، نگهداری تأسیسات وابسته به آنها، تنظیم آب در کانال‌ها و شبکه‌ها بر عهده آب منطقه‌ای قرار گرفت که از طریق ادارات آبیاری و واحدهای بهره‌برداری در نواحی مختلف نظارت بر امور آب و آبیاری را بر عهده دارند. در سال ۱۳۴۷ قانون آب و نحوه ملی شدن آن به تصویب رسید. از این تاریخ به بعد شاهد تصدی متمرکز دولت بر تمامی شئون آبیاری در گیلان می‌باشیم.

وسعت دشت گیلان ۳۴۵۰۰ هکتار و وسعت خالص اراضی شالیکاری برابر با ۱۷۰۰۰۰ هکتار است. طول کانال انتقال آب در شبکه آبیاری سفیدرود برابر با ۲۶۰ کیلومتر، کانال درجه ۱ برابر با ۳۰۰ کیلومتر، کانال درجه ۲ برابر با ۷۲۴ و طول زهکش سطحی برابر با ۱۳۶۰ کیلومتر است. طول جاده سرویس در شبکه به ۱۸۵۰ کیلومتر رسیده و ابنیه موجود شامل ۷۰۰۰ مورد دریاچه، سیفون و ناو ... است (۳).

سیستم حاکم بر آبیاری استان در حال حاضر، آبیاری ثقلی است. آنچه مسلم است روش‌های آبیاری ثقلی جوابگوی مصرف بهینه آب در کشور نبوده و روش‌های مدرن آبیاری با افزایش قابل ملاحظه راندمان نسبت به روش ثقلی قادر است بخش زیادی از پتانسیل آبی منطقه را احیا و از هدر رفت مقدار زیادی آب جلوگیری نماید. اما، کدام یک از روش‌های آبیاری مدرن در گیلان جوابگوی نیاز آبی برنج خواهد بود؟

بنابراین استان در بخش کشت برنج، با وجود پیشرفت بکارگیری سیستم‌های آبیاری مدرن، پذیرشی برای این سیستم‌ها ندارد. حتی اگر جایگزینی سیستم‌های آبیاری مدرن و واکنش گیاه برنج (لااقل در ماه‌های پشت سرگذاری تنش آبی و کاهش نیاز) نسبت به این جایگزینی مورد مطالعه قرار گیرد و به نتایج مثبتی نیز دست یابیم، هزینه برقراری این سیستم برای ۱۷۰۰۰۰ هکتار اراضی شالیکاری امری است که به زودی میسر نخواهد بود. بنابراین، گیلان به سبب شرایط خاص کشت محصول استراتژیک خود، ناگزیر به انتخاب راهی برای غلبه بر مشکلات و موانع آبیاری سنتی است. عمده این مشکلات عبارتند از:

- راندمان پایین سیستم ثقلی (در بهترین حالت، برابر با ۳۵٪ در کشور اعلام می‌شود) (۲)
- عدم امکان توزیع یکنواخت و کنترل دقیق آب از سد تا مزرعه
- استهلاک و نارسایی تأسیسات و ابنیه و کاهش ظرفیت و قابلیت انتقال.

واگذاری مدیریت آبیاری یا ایجاد تشکلهای آب‌بران، قدمی برای کاهش این مشکلات و استفاده از نیروی همیاری مصرف‌کنندگان در قالب «گروه‌های محلی» در جهت بهبود مدیریت آبیاری در منطقه بود.

۳. انگیزه تشکیل «تشکلهای آب‌بران»، مطالعات اولیه، موانع و محدودیت‌ها.

اگرچه توسعه فیزیکی شبکه‌های آبیاری گیلان از زمان تأسیس نخستین ابنیه آبی در استان (حدود سال ۴۲) همزمان با تأسیس سد سفیدرود همواره در جریان بوده اما این توسعه، تاکنون هماهنگی چندانی با روند افزایش مصرف‌کنندگان آب کشاورزی نداشته است.

این امر از یک سو و کاهش راندمان انتقال آب از سد به شبکه به دلیل کاهش حجم ذخیره سد و کاهش راندمان انتقال آب از شبکه به مزارع به دلیل فرسودگی و استهلاک و عدم تعویض تأسیسات مستهلک و فرسوده از سوی دیگر، بهره‌وری این مجموعه را به نسبت سال‌های اول تأسیس بشدت پایین آورده است. به حتم، کمبود بودجه در این امر تأثیری به سزا دارد اما ریشه این کمبود را در ناتوانی شرکت‌های دولتی مسئول آبیاری در مدیریت اثربخش بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری از شبکه‌ها و امر جمع‌آوری آب‌بهای کافی از مصرف‌کنندگان و عدم افزایش اعتبار تخصیصی مدیریت بهره‌برداری از سوی دولت باید جستجو کرد. با توجه به توسعه چشمگیر زمین‌های تحت آبیاری، میزان کلی وجوه تخصیص داده شده به بهره‌برداری و نگهداری از تأسیسات و شبکه‌های آبیاری تقریباً ثابت مانده است و در صورت افزایش نیز؛ متناسب با نرخ توسعه سطح زیر کشت آبی برخوردار از سیستم آبیاری نبوده است.

این امر موجب می‌شود که نهاد دولتی در بر آورده ساختن نیازها و تضمین کارایی شبکه کاملاً تنها مانده و هیچ اهرمی برای هماهنگی نیازهای روز افزون این شبکه با درآمد حاصل از خدمات خود نداشته باشد.

بدیهی است عدم تسطیح اراضی زراعی گیلان و عدم استقبال زارعین از همکاری با طرح تجهیز و نوسازی اراضی به این امر دامن می‌زند زیرا به طور مثال، نمی‌توان با قطع آب بخشی از اراضی بالادست که حقابه خود را پرداخت نکرده اند، زارعین اراضی خوش حساب پایین دست را از آب محروم کرد و در آبیاری ثقیل، روشی غیر از طی مسیر از بالادست به پایین دست وجود ندارد.

این امر تنش بین کشاورز و نمایندگان دولت را بیشتر می‌کند. زیرا تا زمانی که کشاورز و مسئولان در دو قطب مجزا رو در روی یکدیگر (یکی به عنوان خدمت رساننده صرف و دیگری به عنوان مصرف کننده مطلق) قرار گیرند، لزوم همکاری بین این دو گروه ناچیز شمرده می‌شود. پس از آغاز طرح، بررسی موانع و مشکلاتی که بر سر راه تشکلهای در گیلان بود، مورد توجه قرار گرفت.

مسلماً با سطح زیر کشت نزدیک به ۱۷۰۰۰۰ هکتار اراضی شالیزاری، انتخاب بخشی از سطح زیر کشت به عنوان منطقه آزمایشی و اجرای طرح در آن اولین قدم اجرا بود. در انتخاب منطقه، سنجش محدودیت‌هایی نظیر تعیین محدوده اختیارات تشکلهای آب‌بران، تعیین سهم خدمات حمایتی دولت از این بخش و میزان رغبت و انگیزه کشاورزان برای تقبل این مسئولیت مورد بررسی قرار گرفت که جداگانه به آن می‌پردازیم.

۴. شکل‌گیری هسته اولیه تعاونی‌های آب‌بران

به منظور یافتن راهکارهای مناسب برای ایجاد تشکلهای آب‌بران و واگذاری بخشی از مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه آبیاری و زهکشی سفیدرود گیلان، نخستین جلسات بحث و بررسی موضوع در قالب ۵ کارگاه آموزشی از آبان لغایت اسفند ۱۳۷۹ با شرکت مدیران و کارشناسان ارشد سازمان آب منطقه‌ای گیلان، شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی گیلان و شرکت مشاور پندام برگزار شد. در این جلسات، تأکید بر سه موضوع زیر بود:

۱- تعریف جامع مشارکت

۲- مسائل و مشکلات موجود در رابطه با مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه

۳- تعیین نقش و سهم هر یک از مشکلات شبکه و اولویت‌بندی آنها.

در مجموع این ۵ گردهمایی، ابتدا نقش مردم و جوامع محلی در مدیریت آب شامل: تأمین - انتقال - توزیع - مصرف و نگهداری و بهره‌برداری از شبکه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و تاریخچه جوامع محلی نظام مند که طبق برنامه نانوشته، اما منظم به راهبری امور مربوط به آبیاری می‌پرداختند نیز مرور گردید.

حاضران، از بین رفتن تدریجی روش‌های کار آمد سنتی مدیریت آب و مواجه شدن نظام تولیدی کشاورزی با مشکلات فعلی را از نتایج حاکمیت نظام کاملاً دولتی و کمرنگ شدن نقش مشارکت مردم در امور آبیاری دانستند. اعضا همچنین معتقد بودند شبکه علیرغم فرسودگی کامل، هنوز در برخی از مهمترین قسمت‌ها، ناتمام بوده و بهره‌برداری از آن در حال حاضر غیر اقتصادی و غیر فنی است.

در پایان، انتخاب روستا (روستا‌های) پیشاهنگ به عنوان گام اصلی اجرایی پروژه در نظر گرفته شده و لیستی از روستاهای مورد نظر انتخاب شد. از میان لیست، روستاهای کیاسرا (واحد عمرانی G3 منطقه

مرکزی)، سیاهگوراب بالا (واحد عمرانی D2 شرق گیلان) و رودپیش (واحد عمرانی F1 غربی منطقه فومنات) به عنوان پایلوت در نظر گرفته شده و براساس برنامه‌ریزی، مقرر گردید کارگاه‌های بعدی به ترتیب در روستاهای پیشاهنگ برگزار گردد.

۵. بررسی روند و نتایج حاصل از تشکیل تشکلهای آب‌بران در روستاهای پیشاهنگ

کشاورزان سه روستای یاد شده در آغاز، در هیئت جمعیت‌های کمتر از ۱۰۰ نفر در این کارگاه‌ها شرکت کردند. چنانکه انتظار می‌رفت برخورد اولیه روستائیان با این موضوع آمیزه‌ای از احتیاط، بی‌اعتمادی و ناباوری و همراه با طرح پرسش‌های بسیار بود.

در این کارگاه‌ها، شرکت مشاور پندام به عنوان «تسهیلگر» ضمن معارفه و ذکر اهمیت مشارکت روستائیان در امور روستا، به برشماری محسنات تشکیل کارگاه‌های مشارکتی «آموزش - برنامه‌ریزی» به عنوان راهی برای توانمند شدن آنان و ایفای نقش اصلی در توسعه روستا پرداختند. در این گفت و شنود، یک پرسش اساسی از سوی روستائیان مطرح بود: «شما (خطاب به تسهیلگران) از کجا آمده اید و چه هدفی دارید؟»

کشاورزان نیز به پرسش‌های عمومی که از سوی کارشناسان دولتی درباره روش تعیین نرخ آب بها، دلیل اخذ آن از سوی دولت و روش پیگیری مسائل و مشکلات روستائیان مطرح شد، پاسخ‌های قابل قبولی دادند. در میان اظهارات کشاورزان، ذکر مشکلات مالی (ارزان بودن برنج و خرید نداشتن آن - نداشتن قطعات ماشین‌آلات کشاورزی - سنگین بودن هزینه آب بها، سموم و کود شیمیایی)، مشکلات اجتماعی و رفاهی (نداشتن آب آشامیدنی، سیستم گاز کشی، راه، جاده - بیکاری جوانان روستا - نداشتن حق و حقوق شورای محل - بیمه نبودن محصولات کشاورزی) مشکلات قانونی، اداری، حقوقی (سخت‌گیری جهت پرداخت وام به کشاورزان - نداشتن قدرت اجرایی شورای محل) از عمده موارد بود.

در پایان هر یک از سه کارگاه، ضمن داده شدن فرصتی به کشاورزان برای تأمل بر موضوعات عنوان شده، انتخاب اعضای تشکل روستا و گروه‌های تخصصی نظیر مدیریت آبیاری - مدیریت تجهیز مزارع - مکانیزاسیون و... و همچنین تنظیم اساسنامه و شرح وظایف به عهده کشاورزان گذاشته شد. چندین بار نیز به منظور هدایت و پیگیری فعالیت روستائیان به روستاهای پیشاهنگ مراجعه گردید تا از پیشرفت کارها اطلاع حاصل گردد.

در پایان موعد مقرر (نزدیک به دو ماه) گروه کارشناسان تسهیلگر به همراهی برخی مدیران و کارشناسان شرکت بهره‌برداری به روستاهای طرح مراجعه نمودند. در روستاهای کیاسرا و سیاهگوراب «تشکل» به وجود آمده و اعضای آن نیز انتخاب شده بودند و گروه‌های تخصصی در این روستاها شکل گرفته بود فعالیت چشمگیر این تشکل‌ها، تشویق روستائیان برای پرداخت آب بهای سال ۷۹ و جمع‌آوری آب بها از کشاورزانی بود که به دلیلی قادر به مراجعه به ادارات آبیاری نبودند.

بنا به اظهار گروه تخصصی آبیاری روستای کیاسرا، همه روستائیان آب بهای سال ۷۹ را پرداخت نمودند. در کیاسرا، تشکل موفق به انجام یک پروژه فنی نیز گردید. پروژه برش دریچه فلزی ابتدای کانال اصلی توسط خود روستائیان برنامه‌ریزی و اجرا شده و هزینه‌های اجرا نیز توسط خود آنان تأمین گردید. اما در روستای رودپیش بنا به دلایلی، مردم همچنان با ناباوری و بی اعتمادی به جلسات گفت و گو آمده و از برخوردها و اقدامات انجام شده توسط مسئولان سازمان‌های دولتی به شدت انتقاد می‌نمودند. علل اصلی این مخالفت از زبان خود کشاورزان دسته‌بندی شد:

- ۱- عملکرد نامطلوب شرکت سهامی زراعی وقت در این روستا و سوابق ذهنی بدبینانه‌ای که روستائیان نسبت به طرح‌های دولتی دارند.
 - ۲- عدم ارتباط سازنده مسئولان و روستائیان در طول سال‌های اخیر.
 - ۳- عدم اعتماد به صحبتها و قول‌های مسئولان.
- با توجه به نتایج اتخاذ شده، پیشنهادات و توصیه‌های تسهیل‌گر به شرح زیر است:
- الف- فراهم آمدن امکان حضور مستمر و منظم کارشناسان ذیصلاح در مناطق پیشاهنگ جهت حفظ و تداوم مدیریت مشارکتی و تماس با اعضای تشکل‌ها، پایش و ارزیابی فعالیت‌ها
 - ب- حفظ ارتباط تشکل‌ها با ادارات و سازمان‌های دولتی جهت فراهم آوردن زمینه آموزش روستائیان و فراگیری کاربرد اصول و روش‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و کارهای اجرایی.
 - ج- حمایت اداری - مالی و سیاسی از تشکل‌ها تا پاگیری و رسیدن به هدف و رسیدن به سطوح کامل‌تر از مدیریت مردمی.
 - د- تنظیم موافقت نامه و تحویل کار در اموری که تشکل‌ها در انجام عملیات محوله در آن موفق بوده‌اند؛ نظیر جمع‌آوری آب‌ها یا انجام برخی عملیات فنی و تأسیساتی.
- خاطر نشان می‌سازد باگذشت ۵ سال از تاریخ این بحث، تشکل رودپیش با همه سعی و تلاش مسئولان، متوقف شد. تشکل کیاسرا تا مرحله صحبت‌های اولیه برای تنظیم اساسنامه پیش رفت و تشکل سیاهگوراب نیز موفق به اخذ اساسنامه شد و هر دوی این تشکل‌ها به نحو چشمگیری بر دریافت آب بهای جاری و سنواتی منطقه خود تأثیرگذار شدند.

۶. تعاونی‌های آب‌بران کسیم و کاجا

الف - نحوه شکل‌گیری تعاونی‌ها

در راستای اهداف بلند مدت در امر مصرف بهینه آب کشاورزی، آئین‌نامه آن در تاریخ ۷۵/۶/۱۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. یکی از اهداف این طرح، جلب مشارکت بهره‌برداران در جهت مصرف بهینه آب کشاورزی و نیز توزیع عادلانه آب با همکاری دو وزارتخانه نیرو و کشاورزی بوده است. در پی تصویب ماده ۵ این آئین‌نامه، تمام سازمان‌های توزیع آب ملزم به تحویل حجمی آب به بهره‌برداران

گردیدند. به منظور تحقق اهداف این آئین‌نامه و در راستای سیاست‌های دولت برای فراهم آوردن شرایط لازم برای بهره‌وری بهتر از منابع آب، وزارت کشاورزی وقت، مکلف شد ظرف مدت حداکثر دو سال از تاریخ تصویب این آئین‌نامه نسبت به ایجاد و سازماندهی تشکلهای قانونی مناسب در اراضی تحت پوشش شبکه‌های آبیاری اقدام نماید.

به دنبال این امر، اداره کل تأمین آب وزارت کشاورزی «مدیریت آب و خاک» را به عنوان نماینده به سازمان آب منطقه‌ای معرفی نمود. شرکت بهره‌برداری نیز به نمایندگی از آب منطقه‌ای گیلان آمادگی خود را برای همکاری با شرکتهای تعاونی تولیدی اعلام کرد.

به همین منظور نمونه‌ای از اساسنامه شرکت تعاونی روستایی (مصوبه سال ۷۲) از سازمان مرکزی تعاونی روستایی استان گیلان به شرکت بهره‌برداری تحویل و اولین مکاتبات بین سازمان‌ها آغاز گردید. اواسط سال ۷۶ لیستی شامل نام، نام شهرستان وابسته، تاریخ ثبت، مساحت اراضی زیر کشت، و سرمایه ۱۱ شرکت حوزه گیلان که مشغول به فعالیت تولیدی بودند از سوی سازمان جهاد کشاورزی به شرکت بهره‌برداری اعلام گردید.

سرانجام با مطرح شدن برنامه پنج ساله سوم امور آب، اولین جلسه کمیسیون سه نفره در آذر سال ۱۳۷۹ با حضور نمایندگان آب منطقه‌ای - سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل تعاون تشکیل شد.

با توجه به مذاکرات و گفتگوهایی که با روستائیان و برخی شوراهای در سطح استان انجام شده بود و همچنین عدم آمادگی و رغبتی که از طرف کشاورزان اعمال گردید، کمیسیون پیشنهاد کرد که فعلاً کار تشکلهای از نقاطی آغاز شود که شرکتهای تعاونی تولید داشته و یا طرح تجهیز و نوسازی سازمان کشاورزی در آن به اجرا در آمده باشد.

همچنین بازدید اعضای کمیسیون از استان‌هایی که در خصوص اجرای طرح به موفقیت‌هایی دست یافته بودند در دستور کار قرار گرفت.

سرانجام به منظور اجرای هماهنگ تصمیمات و اقدامات و عمل به مفاد آئین‌نامه بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی، کمیته مشترکی با همین عنوان در استان تشکیل گردید. در بررسی روستاهایی که جزء لیست اولیه بودند کمیته مذکور با برخی از کشاورزان و شوراهای آنان وارد مذاکره گردید و طرح تشکیل تعاونی نیز داده شد که از آن جمله می‌توان به شرکتهای تعاونی آب‌بران سیاهگوراب و کیاسرا اشاره کرد. اما هیچ یک از این دو شرکت به دلیل در برداشتن هزینه، به ثبت نرسید و این امر ثابت کرد که مطالعات کمیسیون سه نفره درباره بهترین موقعیت مکانی برای آغاز طرح، صحیح بوده است.

به این ترتیب از بین لیست ارائه شده، شرکت تعاونی روستایی کیسم وکاچا واقع در آستانه اشرفیه در محدوده شرق گیلان، به دلیل داشتن سابقه در امر تولید و پیشبرد عملیات سود ده تولیدی و ارتباط موفق با سازمان جهاد کشاورزی به عنوان نمونه انتخاب شدند.

اواخر تیر ۱۳۸۱، برآوردی از هزینه عملیاتی حفظ و نگهداری و خدمات توزیع حجمی آب آبیاری شرکتهای تعاونی کیسم وکاچا به کمیته مشترک استانی تحویل شد. اما در این برآورد، هیچ برنامه‌ای

برای کاهش هزینه‌ها ذکر نشده بود. ضمناً تعاونی‌های مذکور برای عملیات نگهداری و تعمیرات کانال‌های آبیاری نیز اعتبار جداگانه‌ای طلب کردند.

شرکت بهره‌برداری نقطه نظرات خود را در رابطه با نوع برآورد ایشان به کارفرما (آب منطقه‌ای گیلان) اعلام نمود. سپس دو شرکت تعاونی به صورت آزمایشی پس از پایان آبیاری مشغول به توزیع قبوض و وصول آب بها شدند.

طی جلسه شماره ۱۲ کمیته مشترک، که با حضور اعضای کمیته و مدیران عامل شرکت‌های تعاونی تولید برگزار شد هدف از تحویل حجمی آب و واگذاری بخشی از فعالیت‌های توزیع و تعمیر و نگهداری ابنیه و همچنین وصول آب بهای زراعی برای تعاونی‌ها تشریح گردید. مدیران عامل دو شرکت نیز به ذکر فعالیت‌های انجام گرفته در زمینه تحویل و توزیع قبض و وصول پرداختند. ایشان، بر انعقاد قرارداد بین تعاونی‌ها و شرکت کارفرما تأکید داشتند. نظرات بر گرفته از بحث‌های کمیته مشترک به شرح زیر است:

۱- تهیه پیش‌نویس قرارداد بین شرکت بهره‌برداری شرکت‌های تعاونی به منظور تداوم منطقی و قانونمند فعالیت‌های این تعاونی‌ها با کسب تأیید مجمع عمومی و امضای مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره طرفین.

۲- با تخصیص اعتبار نسبت به رفع یا کاهش مشکلات مربوط به کانال‌های آبیاری و سازه‌های جانبی در مناطقی که در آنها آمادگی بیشتری برای تشکیل تشکله‌ها وجود دارد اقدام شود.

۳- نظر به نقش تحویل حجمی آب در بهینه‌سازی مصرف آب لازم است وسایل اندازه‌گیری آب در نقاط تحویل نصب شود.

۴- انجام بررسی‌های میدانی برای شناسایی و تعیین محل آبیاری آب‌بران بزرگ (شاربینی که دارای بیش از ده هکتار شالیزار هستند) با صرف وقت کافی ضروری به نظر می‌رسد.

۵- به منظور جبران هزینه‌های مربوط به خدمات توزیع آب و تعمیر و نگهداری کانال‌های آبیاری درجه سه و تعمیرات وابسته، ۳۰٪ از وصولی‌های حوزه عملکرد هر تشکل به خود آنها برگشت داده شود.

۶- تشکیل تیمی متشکل از کارشناسان کمیته مشترک برای پیگیری تصمیمات و ارتباط با کشاورزان و تشکل‌ها (تازه تأسیس و در حال تأسیس) برای حفظ حلقه ارتباطی دولت - تشکل الزامی است.

۷- محدوده فعالیت هر یک از شرکت‌های تعاونی روی نقشه مشخص و به همراه لیست مشخصات کشاورزان و بهره‌برداران به پیوست قرارداد مشخص شود.

ب- قرارداد

هدف قرارداد به ترتیب زیر عنوان گردید:

- واگذاری بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کانال‌های محدوده روستاهای کیسم و کاچا
- واگذاری مدیریت، نگهداری، تعمیرات و حفاظت از تأسیسات و شبکه‌های آبیاری و زهکشی
- پیگیری دریافت آب بها از کشاورزان توسط تعاونی و واریز آن به شماره حساب داده شده.

ج- تمهیدات شرکت بهره‌برداری پس از عقد قرار داد

ج-۱- تعیین ممدوده اختیارات تشکلهای آب‌بران

انتقال مدیریت آبیاری می‌تواند انتقال مسئولیت تام یا بخشی از مسئولیت باشد. توزیع آب (شامل مدیریت کل شبکه‌های آبیاری یا کانال‌های توزیع آب اصلی و درجه ۱ یا کانال‌های درجه ۲، ۳، ۴ و فرعی) - تعمیرات و نگهداری از تأسیسات و شبکه‌های آبیاری مدرن، تلفیقی و سنتی - برنامه‌ریزی آبیاری و نظارت بر اجرای آن - دریافت آب بها و ... هر یک می‌تواند مواردی از انتقال مدیریت باشد. در نظر داشته باشیم سهم تشکلهای از مدیریت با تقبل پرداخت هزینه‌های خدمات از طرف ایشان، متناسب است.

ج-۲- تعیین سهم خدمات حمایتی دولت از تشکلهای

در برخی تشکلهای، دولت ضمن انتقال بخشی از مدیریت، قسمتی از مسئولیت را در کنار مصرف‌کنندگان آب زراعی به عهده گرفته و پرداخت هزینه‌های آن را نیز متقبل می‌شود. (مدیریت مشارکتی) و یا با پرداخت‌های مالی نظیر یارانه یا ایجاد تسهیلاتی نظیر وام‌های بلند مدت به کاهش هزینه‌های سیستم‌های محلی و حمایت مالی از آنان می‌پردازد. اما تأکید بر آموزش کشاورزان در قالب تشکلهای و تعاونی‌های دولتی موضوعی است که حتی در صورت واگذاری و انتقال کامل مدیریت به تشکلهای، باید از سوی دولت به آن پرداخته شود.

در این جایگزینی، مدیران مردمی شبکه‌ها باید قادر به پیشبرد اهداف و برنامه‌های سیستم دولتی اعم از مالی - فنی - اداری و ... بوده و در نهایت، به بهره‌وری بالاتری نسبت به همتای دولتی خود دست یابند. اگر هدف از واگذاری، کسب نتایج مثبت و بهبود وضعیت بهره‌برداری از شبکه‌ها باشد، باید به صورت تدریجی صورت گرفته و سلب اختیار به صورت ناگهانی از نهاد دولتی انجام نگیرد.

انتقال سریع شبکه به معنای فارغ شدن دولت از تنگناهای مالی نیست. در این انتقال، مهمترین مسئله، استفاده از تجربیات ارگان دولتی است که سال‌ها عهده‌دار این مسئولیت بوده است. انتخاب مدیران این تشکلهای از میان اشخاص دارای تحصیلات دانشگاهی ویا دارای زمینه و تجربه در کار آبیاری، انتقال تجربه را به مراتب سهل‌تر می‌کند.

ج-۳- برنامه‌ریزی شرکت بهره‌برداری در جهت حمایت از تشکلهای کیسم و کاپا

با فرا رسیدن فصل تعمیرات، بازسازی و مرمت شبکه و ابنیه آبیاری، شرکت بهره‌برداری به منظور ایجاد انگیزش و جلب مشارکت کشاورزان، ترمیم درجه‌های نهر کیسم و کله را آغاز نمود. همچنین مشکل آبیاری پل عبور و مرور موجود در مسیر فوق از رئوس برنامه‌های تعمیر قرار گرفت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، بودجه آن از کارفرما (سازمان آب منطقه‌ای گیلان) اخذ گردید.

این امر، از سویی موجب دلگرمی کشاورزان، شورای محل و تعاونی‌های کیسم و کاچا در منطقه شرق گیلان شد و از سوی دیگر حس رقابت مناطق دیگر در شهرستان‌های همجوار را برای برخورداری از این منافع برانگیخت. آنچه مسلم است تأثیر عملی این حمایت، در دراز مدت میسر خواهد بود.

ج- ۴- پیشنهادات تعاونی‌های کیسم و کاچا در دومین سال قرارداد

در آغاز ماه‌های وصول در دومین تنظیم قرارداد با شرکت‌های تعاونی کیسم و کاچا (۱۳۸۲)، نظرات قابل تأملی به نیابت از هیئت مدیره این دو تعاونی از طرف جهاد کشاورزی استان به شرکت بهره‌برداری انعکاس یافت.

ایشان معتقد بودند قسمت اعظم وقت و انرژی امر بهینه سازی مصرف آب، صرف هدایت کشاورزان به بانک‌ها جهت پرداخت قبوض آب بهاء آنها شده است.

پیشنهاد تشکل‌ها به شرح زیر است:

- در نظر گرفتن جریمه برای قبوضی که شامل دیرکرد هستند به منظور حفظ ارزش و اهمیت پرداخت آب بهای کشاورزی و تصویب قانونی مبنی بر جریمه یا دیر کرد در وصول مطالبات سررسید شده.
- حفظ ارزش ریالی آب بهای سنواتی و پرداخت آن با توجه به قیمت تمام شده برنج در هر سال؛ همانند قیمت آب بهای جاری.

- جلب همکاری بانکها در دریافت مفاصا حساب آبیاری در موقع پرداخت وام سلف به کشاورزان با عقد قرارداد و پرداخت درصدی در قبال هر مفاصا حساب.

روستائیان در قالب تشکل‌ها از حالت مصرف کننده صرف به صورت یاریگر دولت برای نیل به اهداف بهینه سازی روش‌ها و بهبود مدیریت در آمده و نقطه نظرات خود را به شکل انتقادی بیان می‌نمودند.

این امر نشان می‌دهد تا زمانی که مسئله «عهده‌دار شدن مسئولیت» به نفع زارعین باشد کلیه مسئولیت‌ها در سطوح مختلف، قابل پذیرش و انگیزه کافی برای قبول مسئولیت وجود دارد.

ارتقاء زارع در سیستم - ایجاد انگیزه مدیریت - آشنایی با مشکلات تجهیز و مرمت ابنیه - صرفه‌جویی در هزینه‌های سازمانی و پیمانکاری از طریق کاهش تعداد کارکنان - تعادل بودجه از نتایج این نوع واگذاری است. نکته دیگر آن که برای پایداری مالی، اصل برگشت سرمایه هم برای دولت و هم برای نهادهای خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر پیش از انتقال، نحوه تقسیم هزینه کل آب و خدمات توزیع مشخص باشد استفاده کنندگان می‌توانند درآمد اولیه حاصل از قبول مسئولیت شبکه را محاسبه کرده و این امر، انگیزه ایشان را در پذیرش مسئولیت بالا می‌برد.

۷. شکل‌گیری تعاونی‌های آب‌بران فومنتا گیلان

الف - مذاکرات اولیه

پیش از آغاز فصل آبیاری سال ۸۳، واگذاری مسئولیت شبکه آبیاری فومنتا به تعاونی‌ها از طرف کمیته مشترک و آب منطقه‌ای گیلان مطرح گردید. با وجود آنکه روشن شدن نتایج گزینه‌های قبلی به فرصت بیشتری نیاز داشت ایده استفاده از تعاونی‌های روستایی در فومنتا نسبتاً شتاب زده ارزیابی می‌گردد اما به هر حال موضوع در کمیته مشترک بهینه سازی مصرف آب در فروردین ۱۳۸۳ مطرح گردید. در این جلسه مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان صومعه سرا (از توابع امور آبیاری فومنتا) و فرمانداران ماسال - صومعه سرا - فومن و شفت نیز حضور داشتند.

در تحقیقات اولیه، روستاهای تحت پوشش ۳۱ شرکت تعاونی روستایی با سطح زیر کشت و تعداد آب‌بران هر روستا مشخص گردید. سپس سرپرست سازمان تعاونی هریک از شهرستانها، ضمن مطالعه پیش نویس قرارداد (که کم و بیش همچون قرارداد کیسم و کاچا تنظیم شده بود) آمادگی خود را برای شروع به کار و تعیین درصد کارمزد به امور آبیاری فومنتا اعلام کردند و اصل قرارداد نیز تنظیم گردید. با این وجود به دلیل نوپا بودن قرارداد و شکل‌گیری این وظیفه در دستور کار تعاونی‌های تولید، شرکت بهره‌برداری به منظور تقویت تعاونی‌ها از ابتدای فصل آبیاری همچون قبل در رأس عملیات آبیاری قرار داشت و روسای ادارات و مدیر عامل یا نماینده شرکت تعاونی طبق برنامه آبیاری به صورت روزانه از محل تحویل آب به بازدید کلیه انشعابات و انهار سنتی پرداخته و طی صورتجلسه‌ای، مقایسه بین رقم جریان داشته در کانال‌ها و برنامه آبیاری و همچنین میزان پیشرفت از برنامه را به امور آبیاری فومنتا گزارش می‌کردند.

ب- تعهدات شرکت و تعاونی

در این قرارداد، شرکت بهره‌برداری متعهد به انجام موارد زیر شد:

- ۱- تحویل به موقع آب مورد نیاز طبق برنامه و جدول تنظیمی در نقطه تحویل (این مسئولیت در برابر تعاونی به عنوان مصرف کننده واحد در نظر گرفته شده و شرکت در برابر فرد آب‌بران حوزه مورد نظر، مسئولیتی نداشت)
- ۲- ارائه دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی، نقشه‌های مورد نیاز، فرم‌های اطلاعاتی و آماری و ابلاغ قوانین و مقررات جدید التصویب، ارسال کلیه بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با موضوع قرارداد پیش از شروع فصل آبیاری.
- ۳- تعمیرات اساسی شامل بهسازی شبکه، تعویض دریچه‌ها، مرمت پوشش بتنی کانال‌ها و ابنیه.
- ۴- همکاری در اخذ مجوزهای لازم از دستگاهها و نهادهای دولتی و غیردولتی مندرج در قرار داد.
- ۵- همکاری و هماهنگی لازم با تعاونی‌ها در خصوص اخذ کلیه حقوق دولتی مندرج در قرار داد.

شرکت‌های تعاونی روستایی نیز ملزم به تعهدات زیر شدند:

- ۱- هدایت، انتقال و توزیع آب در داخل اراضی تحت پوشش هر تعاونی و توزیع آب از نقطه تحویل، متناسب با سطح و نوع کشت.
- ۲- پیگیری وصول آب بها اعم از جاری و سنواتی (معوقة) برابر قوانین و مقررات.
- ۳- حفاظت و نگهداری از شبکه‌ها، تأسیسات، ابنیه‌های فنی، کانال‌ها و زهکش‌ها در محدوده عمل هر تعاونی.
- ۴- رعایت کلیه ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی از سوی شرکت در چارچوب مفاد قرار داد.
- ۵- شناسایی و معرفی افراد خاطی در ارتباط با مسئولیت تعاونی در حوزه عمل (شامل کسانی که اقدام به تصرف اراضی استملاکی آب منطقه‌ای مانند حریم کانال‌ها و زهکش‌ها نموده و یا به طور غیر مجاز اقدام به برداشت آب می‌نمایند)
- ۶- عدم دریافت هیچگونه وجه به عنوان آب بها به صورت مستقیم از کشاورزان و عدم پذیرش هر گونه مشترک جدید.

ج- مشکلات، موانع و نارسایی‌ها

منطقه در این تجربه نخست، مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشت. از سویی تعاونی‌ها نتوانستند بیش از حد متوسط به وصول پردازند. نکته بارز در قرارداد این تعاونی‌ها، افزایش ۰/۵ درصدی حق‌الزحمه وصولی و در نظر گرفتن ۱۸٪ از وصولی (جاری و سنواتی) به عنوان حق مدیریت شرکت‌های تعاونی بود. افزایش حقوق تعاونی‌ها موجب افزایش ۶ درصدی هزینه‌های شرکت گردید که باید از محل ۵۶٪ حق‌الزحمه دریافتی از آب منطقه‌ای تأمین می‌شد و این امر، شرکت بهره‌بردار را در پایان آبیاری ۸۳ با بحران مالی مواجه نمود.

در منطقه یاد شده، به کلیه آبسواران اعلام گردید که برحسب روستاهای تحت نظارت هر شرکت تعاونی، اقدام به عقد قرارداد با مسئولین تعاونی‌ها نمایند؛ مشکل بزرگ دیگر در سال نخست واگذاری در منطقه فومنت این بود که تعداد زیادی از آبسواران به روال جدید یعنی قرار گرفتن تحت پوشش تعاونی‌ها باور نداشته و برای حل و فصل مسائل و نارسایی‌ها به ادارات آبیاری و بعضاً به امور مراجعه می‌کردند و در برخی موارد نیز، عدم حضور و یا عملکرد ناقص آبسواران در محل مشاهده گردید. توجه این گروه نیز علاوه بر نظارت بر عملکرد تعاونی‌ها برعهده روستای ادارات بود.

د- راهکارها، تجارب و برنامه‌ریزی‌های آتی

آبیاری سال ۸۳ در ۲۲ مرداد ماه در منطقه فومنت به پایان رسید. در گردهمایی‌های پایان فصل آبیاری که با حضور مدیران عامل تعاونی‌ها، مدیر عامل سازمان تعاون روستایی و روستای ادارات امور فومنت بر

گزار گردید، هر یک از مدیران عامل تعاونی‌ها به ذکر مسائل و تجربیات کسب شده در ماههای تصدی مدیریت توزیع آب زراعی پرداختند.

در این جلسات، برخی مشکلات مربوط به منطقه که موجب عدم اقتصادی بودن کشت می‌شود برشمرده شد. همچنین به مشکلاتی نظیر عدم وجود شعبه بانک در برخی مناطق که پرداخت قبوض را برای کشاورزان مشکل می‌کند و یا تأثیری که برخی شایعات مربوط به اعلام بخشودگی حق‌النظاره آب توسط مجلس شورای اسلامی بر پرداخت روستائیان گذاشته بود اشاره شد.

در این تبادل اطلاعات، نمایندگان روستائیان در قالب مدیریت تعاونی‌ها به درک کامل‌تری از مشکلات اجتماعی، مالی و معضلات جغرافیایی منطقه رسیده بودند. این امر، در درجه اول توانست در برقراری ارتباط بین شرکت بهره‌برداری و آب‌بران منطقه فوئونات، سهولت ایجاد کند؛ با توجه به این که مشارکت ۳۱ تعاونی در فوئونات و واگذاری امر توزیع آب به این منطقه در سال ۸۳، بزرگترین گامی بود که در زمینه ایجاد تشکل‌ها در گیلان برداشته شده بود (برنامه‌های قبلی چنانکه اشاره شد، به این مرحله نرسیده و یا از نظر کمیت - تعداد روستاهایی که شامل طرح شدند - با آن برابری نمی‌کرد) برای سنجش عملکرد و یافتن نقاط ضعف و قوت، گروه راهبردی و نظارت بر حسن اجرای مفاد قرارداد بین کارفرما (بهره‌برداری) و ۳۱ تعاونی با بررسی سه موضوع:

- ۱- عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی طرف قرارداد در امر توزیع آب.
 - ۲- عملکرد شرکت‌های تعاونی روستایی طرف قرارداد در امر تحویل و توزیع قبوض آب‌بهای سنواتی و جاری.
 - ۳- ارزیابی اجمالی امور آبیاری فوئونات از شرکت‌های تعاونی روستایی طرف قرارداد.
- تشکیل شد. این کمیته، برنامه‌ریزی برای پذیرش کامل مسئولیت از طرف تعاونی‌ها از ابتدای فصل آبیاری را از نکات اصلی در اجرای تمام مفاد قرارداد دانست.
- همچنین، آموزش اعضای شرکت تعاونی روستایی و توجیه آنها، انتقال صدور مفاصا حساب از ادارات آبیاری به تعاونی‌ها، تسریع در پرداخت حقوق آبسواران به عنوان بازوی عملیاتی تعاونی‌ها در فصول آبیاری و ساماندهی ایستگاههای پمپاژ مورد بررسی قرار گرفت.
- موضوع تشکیل تشکل‌های آب‌بران جدید در شهرستان رضوانشهر و بخش اسالم نیز با توجه به نوع و اهمیت ارتباطی که با آبیاری فوئونات دارند به صورت یک مورد مجزا به بحث گذاشته شد.
- ارسال برنامه وصولی هفتگی از سوی تعاونی‌ها به ادارات آبیاری و بیان سیاست‌های کاری در زمینه جمع‌آوری وصول نیز از مواردی بود که به وسیله روسای ادارات مورد تأکید قرار گرفت و به عنوان یک برنامه لازم الاجرا از مدیران تعاونی‌ها خواسته شد.

ه- نحوه وصول آب بها به وسیله تعاونی‌ها در سال ۸۳ و نتایج حاصل از آن

مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده و نظارت دقیق روسای ادارات بر گزارشات میزان وصول تعاونی‌های حوزه خود و همچنین علیرغم اخطار ایشان بر عدم وصولی مناسب از آغاز فصل پاییز تا پایان آن، هیچ

یک از تعاونی‌ها نتوانستند به برنامه‌ریزی خود عمل کنند. متأسفانه سطح میزان وصول در ادارات و به تبع، در امور فومنات به شدت پایین آمده و با وجود جلسات متعدد و انعکاس روند فعالیت تعاونی‌ها از سوی شرکت پیمانکار (بهره‌برداری) به آب منطقه‌ای گیلان و طرح در کمیته بهینه سازی مصرف آب، هیچ توفیقی در این امر کسب نشد. دلایل بررسی شده به شرح زیر است:

۱- در پایان آذر ماه با توجه به مراجعه حضوری و اعتراضات مکرر عده‌ای از کشاورزان در برخی روستاهای حوزه تعاونی و ادعای آنان مبنی بر عدم دریافت قبض آب بها و پیگیری و بررسی روسای ادارات حوزه مورد نظر، معلوم شد که بخش زیادی از قبوض به دست شاربین نرسیده است. برخی از این قبوض به قهوه خانه‌ها سپرده شده بود که از طریق شورای اسلامی و آبیاران قدیمی توزیع گردید و برخی نیز به اداره آبیاری تحویل داده شده بود! (دوباره کاری و اضافه شدن چرخه گردش قبض‌ها)

۲- بخش زیادی از حق‌الزحمه پرداختی از وصول آب بها متعلق به سازمان تعاونی روستایی است و سهم تعاونی‌های آبران بسیار اندک است و این امر، موجب دلسردی و عدم وجود انگیزه در جمع‌آوری مکفی آب بها از سوی تعاونی‌ها می‌گردد.

آموزش برای مهیا سازی اعضای تعاونی جهت قبول مسئولیت‌های سنگین فصل آبیاری و همچنین دوره وصول و بهسازی و مرمت شبکه کافی نبوده و یا در زمان مورد نیاز، به صورت منسجم شکل داده نشده بود؛ زیرا میزان تخریب نسبت به سال گذشته در بخش تأسیسات آبیاری منطقه فومنات بسیار گسترده‌تر بوده و در صورت عدم همکاری نیروهای شرکت بهره‌برداری در اعزام دستگاه‌های سنگین و عدم آماده‌سازی سردهنه‌های آبیاری، منطقه فومنات برای فصل آبیاری آتی قابل بهره‌برداری نبود. همچنین، نیاز به لایروبی و رسوب‌زدایی اکثر انهار تا پایان دی ماه ۱۳۸۳ برطرف نشده و در این صورت، احتمال عدم امکان آب‌گذاری احساس می‌شد.

۱- عدم نگرش مثبت روستائیان نسبت به سوابق تعاونی‌های روستایی که یکی از دلایل اصلی عدم همکاری آنان با تعاونی‌ها در پرداخت آب بها بود.

این موارد دلیل واضحی بر عدم آشنایی تعاونی‌ها با مدیریت شبکه - عدم آموزش تعاونی‌ها در رابطه با وظایف جدید و یک جانبه‌نگری و تعجیل در انتقال وظایف به تعاونی‌هاست.

اواخر بهمن ۱۳۸۳ به علت بارش شدید برف و مختل شدن امر ایاب و ذهاب، وضعیت وصول همچنان رو به کاهش گذاشت و عملاً امیدی به تعاونی‌ها در این مورد نبود، بنابراین نیروهای اجرایی شرکت بهره‌برداری به منظور جبران بخشی از خسارات وارده، به صورت مستقیم وارد عمل شدند.

برای پیشگیری از وقوع مجدد خسارات در حین بهره‌برداری از شبکه در فصل آبیاری و همچنین انتقال تدریجی اطلاعات به تعاونی‌ها نیز، گروه راهبردی کمیته مشترک با همکاری روسای سازمان‌های تعاون روستایی و مدیران از نیمه اسفند سال ۸۳ (پیش از آغاز فصل آبیاری جدید) اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی کردند.

ذکر برخی موارد بومی که شاید دلیل و توجیهی خارج از استان نداشته باشند اما به عنوان اهرم در تشویق تعاونی‌ها به وصول موثر بودند نیز ضروری است. به طور مثال، پیشنهاد شد در فصل توزیع سم و کود از طرف تعاونی‌ها به زارعین (نیمه بهمن به بعد) پورسانت وصول آب بها به تعاونی‌ها پرداخت گردد تا انگیزه لازم برای جلب مشارکت کشاورزان را داشته باشند.

۸. بررسی تأثیر متقابل تشکیل تعاونی‌ها و عملکرد شرکت‌های فعلی متولی آبیاری

تا این بخش به نحوه شکل‌گیری تعاونی‌های آب‌بران و نحوه واگذاری و انتقال تدریجی مدیریت آبیاری در استان پرداختیم؛ اما، برای ایجاد ثبات در نحوه کارکرد این تعاونی‌ها و اخذ نتایج مثبت از این واگذاری، باید گونه‌ای عمل کرد که توازن روحی و ارتباط کاری بین نیروهای فعلی و مدیران آینده شبکه‌ها (مدیران مردمی) برقرار باشد.

در این انتقال از یک سو، محتاج آنیم که وظایف به بهترین نحو به مدیران تشکل‌ها انتقال یابد و از سوی دیگر برای انتقال این تجربه‌ها باید از تجربیات و دانش نیروهای کمک بگیریم که یا از پیشکشوتان امور آبیاری استان بوده و یا از نیروهای جوان و صاحب تحصیلات و سابقه کار در این مورد می‌باشند و این اعضا، در حال حاضر از اعضای تشکیلات دولتی به شمار می‌روند.

اگر برای این جابجایی و انتقال مدیریت، برنامه‌ریزی منطقی و درستی نداشته باشیم اولین بحران، تنش است که بین مدیران فعلی شبکه‌های آبیاری رخ خواهد داد. زیرا این گروه در برابر از دست رفتن موقعیت شغلی و آینده خود واکنش منفی نشان داده و در انتقال دانش و تجربه به تعاونی‌ها همراهی و همکاری لازم را نشان نخواهند داد.

در بررسی نتایج حاصل از واگذاری مدیریت در امور فومنتا اشاره کردیم که بخش زیادی از صدمات وارده به شبکه در سال ۸۳ به علت متقارن نبودن آموزش‌های لازم و زمان بهره‌برداری بوده است؛ بنابراین عدم دانش و تجربه در مدیریت آبیاری، علاوه بر تضعیف امر آبیاری و وصول، صدماتی نظیر تخریب شبکه و آماده نبودن بهنگام ابنیه برای بهره‌برداری را نیز به دنبال خواهد داشت.

گام‌های نخست این انتقال باید همراهی و نزدیکی هر دو گروه (متولیان فعلی و متولیان آینده شبکه‌های آبیاری) را به همراه داشته باشد تا علاوه بر جلوگیری از ایجاد تنش و مقاومت در برابر تشکیل تشکل‌ها، در انتظار ایده‌های جدید نیز باشیم.

در دسته بندی مراحل جابجایی نیروهای فعلی متولی امور آبیاری استان گیلان با اعضای تیم تعاونی‌های آب‌بران به این نکات می‌توان دست یافت:

۱- حرکت را باید به صورت مشخص و با استراتژی تدوین شده (نقطه آغاز و نقطه پایان تعریف شده) شروع کرد.

هدف از این انتقال چیست؟ افزایش بهره‌وری در مصرف آب؟ کسب نتایج بهتر در وصول؟ کسب نتایج بهتر در نگهداری و بهره‌برداری از شبکه و ابنیه؟ گسترش شبکه آبیاری و زهکشی؟ کاهش بار مسئولیت دولت از راه تشکیل NGO؟

اگر تمام این اهداف در ریز برنامه انتقال وجود دارند، باید اولویت‌بندی شده و گروه‌های آموزشی برای آنان تشکیل شود. بنابراین شناخت قدرت انتقال مباحث در همکاران فعلی شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی گیلان با توجه به نوع تخصص آنان، نیاز اساسی گروه‌های آموزشی است.

۲- نظر متولیان آبیاری نسبت به تشکیل تعاونی‌های آبران چیست؟

آیا این امر را فقط به عنوان یک سیاست از سوی دولت پذیرفته‌اند؟ این طرح را مثبت و قابل قبول می‌دانند؟ به آینده این طرح امیدوار هستند؟

۳- ارزیابی نظرات مخالف به صورت ریشه‌ای و بنیادی:

- بیم از دست رفتن موقعیت شغلی در آینده
- عدم آموزش صحیح اعضای تشکرها و لطمه‌های وارد شده از این راه به شبکه.
- جلب مشارکت مخالفان با استفاده از تخصص فعلی آنها و تشکیل تیم‌های کار از آغاز فصل آبیاری که در آنها، جمعی از کارشناسان شرکت بهره‌برداری در کنار تعاونی به انجام امور بپردازند. این امر به گروه کمک می‌کند تا در تبادل اطلاعات، کامل‌تر عمل کنند و چون برای پیشبرد یک هدف مشترک می‌کوشند بنابراین، به صورت همگرا عمل خواهند نمود.

تعداد کارشناسان دولتی رفته‌رفته با گذشت زمان و رسیدن به سن بازنشستگی کم می‌شود. در یک جایگزینی متناسب، نیروهای تازه نفسی، که وارد چرخه آبیاری استان می‌شوند به جای ورود به مکان دولتی، جذب تعاونی‌ها شده و در کنار نیروهای تعاونی به انجام وظایف می‌پردازند. تخصص و نحوه ارتباط این دو گروه با یکدیگر از بحث‌هایی است که از هم اکنون باید به آن اندیشید. در نظر داشته باشیم برای ارتقا و پیشرفت تشکرها در امر آبیاری، باید هم زمینه‌های آموزش کارشناسان و تکنسین‌های آبیاری شاغل در بخش دولتی و هم اعضای تشکرها به موازات یکدیگر فراهم گردد و در این صورت است که تعالیم داده شده به صورت نهادینه در آمده و انتظار می‌رود در سال‌ها و دوره‌های بعدی، تشکل‌های آبران گنجایش پذیرش برنامه‌ریزی‌های جدیدتری را داشته باشند.

۹. نتایج و دستاوردها

- ۱- با وجود افزایش غیرقابل پیش‌بینی جمعیت، بزرگترین معضل نسل‌های آتی حفظ و کنترل کیفیت منابع آبی و اراضی فاریاب است.
- ۲- تاریخچه جوامع محلی نظام‌مند گیلانی که طبق برنامه نانوشته، اما به طور منظم به راهبری امور مربوط به آبیاری می‌پرداختند گویای ارتباط مشکلات فعلی آبیاری با از بین رفتن تدریجی روش‌های کارآمد سنتی مدیریت آب و کمرنگ شدن نقش مشارکت مردم در امور توزیع آب است.

- ۳- در شکل‌گیری هسته اولیه تشکل‌ها، تعیین مکان مناسب برای آغاز طرح از ارکان موفقیت است. اگر روستاهایی که به عنوان پایلوت انتخاب می‌شوند، پیش از آن در چند طرح عمرانی و تشکیل تعاونی با دولت مشارکت کرده باشند امکان موفقیت طرح بسیار زیادتر است.
- ۴- در امر انتقال مدیریت، مهمترین مسئله انجام تدریجی عملیات و استفاده از تجربیات ارگان دولتی است که پیش از آن، عهده‌دار امر بوده است. بنابراین، گام اول انتقال مدیریت، تشکیل تیم «مدیریت مشارکتی» است.
- ۵- مشکلات و نارسایی‌های امر واگذاری مدیریت تحویل و توزیع آب به خصوص در سال‌های نخست انتقال، مسلماً متوجه شرکت‌های بهره‌بردار می‌خواهد بود.
- ۶- پس از پشت سرگذاری هر مرحله از تشکیل تشکل‌ها، همیاری کشاورزان افزوده می‌شود. بنابراین در دراز مدت می‌توان در انتظار کاهش مشکلات سال‌های نخست و کسب منافع از این واگذاری بود.
- ۷- در واگذاری باید به نحوه‌ای عمل شود که کارمندان دولت و متولیان فعلی آبیاری، آینده شغلی خود را در خطر ندیده، بابت تضمین آینده شغلی خود، مطمئن باشند. این امر، تنش‌های موجود بین کارشناسان دولت و کشاورزان را از بین برده و انتقال تجربیات و آموزش اعضای تشکل را سهل‌تر می‌کند.

۱۰- منابع و ماخذ:

- ۱- نگرشی بر منابع آب و آبیاری تحت فشار - علی اصغر قائمی و زهره مهدی حسین‌آبادی - مجموعه مقالات سومین همایش کمیته منطقه‌ای آبیاری و زهکشی استان خوزستان - سیستم‌های آبیاری تحت فشار/ ۱۳۸۲
- ۲- الزامات آبیاری تحت فشار در داخل کشور، برتری‌ها و راهکارها - مهندس محمدرضا شمسایی - مجموعه مقالات سومین همایش کمیته منطقه‌ای آبیاری و زهکشی استان خوزستان - سیستم‌های آبیاری تحت فشار/ ۱۳۸۲
- ۳- مجموعه مقالات کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری - نشریه شماره ۲۷ / سال ۱۳۷۸
- ۴- مطالعات بهسازی شبکه آبیاری و زهکشی سفیدورد گیلان - مهندسین مشاور پندام - جلد بیستم، مطالعات ساختار مدیریتی (اجتماعی-اقتصادی) - ۱۳۸۰
- ۵- مدیریت محلی سیستم‌های آبیاری - وظایف اصلی و رهنمودهایی برای حمایت، انتقال مدیریت و برنامه‌های واگذاری - کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.